

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی تطبیقی شعر نو کردی و فارسی
(با توجه به اشعار نیما یوشیج و عبدالله گوران)

پژوهشگر:

مهناز شریعتی

استاد راهنما:

دکتر اسعد شیخ احمدی

استاد مشاور:

دکتر سید احمد پارسا

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض

اسفند ماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهد نامه

اینجانب مهناز شریعتی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

مهناز شریعتی

۱۳۸۸/۱۲/۱۹



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات گرایش محض

عنوان:

بررسی تطبیقی شعر نو کردی و فارسی
(با توجه به اشعار نیما یوشیج و عبدالله گوران)

پژوهشگر:

مهناز شریعتی

در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۹ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره و درجه به تصویب رسید.

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
استاد	استاد	دکتر سید اسعد شیخ احمدی	1- استاد راهنما
	استادیار	دکتر پارسا یعقوبی	2- استاد مشاور
	استادیار	دکتر هادی یوسفی	3- استاد داور خارجی
	استاد	دکتر صالح ادیبی	4- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

مهر و امضاء گروه

تقدیم به:

پدر و مادر بزرگوارم که هر چه دارم از آنهاست

و

همسر مهربان و فرزند دلبندم که وجودشان روشنی بر دل من می بارد

مشکر و سپاس گزارى:

بامشكر از جناب آقاى دكتر اسعد شيخ احمدى كه راهبنايى اين تحقيق را بر عهده داشتند و از محضرايشان بهره‌ها
بردم و بامشكر از جناب آقاى دكتر احمد پارسا كه استاد مشاور در اين پژوهش بودند همچنين از جناب آقاى دكتر
پارسا يعقوبى كمال مشكر و قدردانى را دارم كه به نيات از جناب آقاى دكتر پارسا به عنوان استاد مشاور در جلسه
دفاع حضور خواهند داشت.

چکیده

«نیما یوشیج» و «عبدالله گوران»، پدید آورندگان راستین شعر نو در زبان های فارسی و کردی، مسیر مشابهی را در جریان نوگرایی خود در عرصه‌ی شعر پیمودند؛ از این نظر، که هر دو شاعر کار خود را با سرودن شعر سنتی آغاز کردند، سپس با ایجاد تغییر در قافیه، شعر نیمه سنتی سرودند و در نهایت شعر نو را پدید آوردند. «نیما» و «گوران» شیفته‌ی سادگی کلام شعر بودند و با نزدیک کردن شعر به نمایش نامه و روایی کردن آن، سعی داشتند زبان شعر را به زبان واقعی مردم نزدیک سازند. از این شاعران می‌توان به عنوان شاعران اجتماعی یاد کرد زیرا مسائل اجتماعی و سیاسی آن روزگار تاثیر عمیقی بر شعر آن‌ها گذاشته است. هر دو شاعر شیفته‌ی طبیعت هستند، نگاه تازه به طبیعت و استفاده نمادین از واژه‌های موجود در طبیعت برای بیان مفاهیم، از ویژگی‌های بارز آن‌ها در این زمینه به شمار می‌آید. تفاوت قابل توجهی که این دو شاعر با هم دارند از این نظر است که گوران به اوزان هجایی توجه ویژه‌ای داشته و بیشترین تلاش خود را در جریان نوگرایی به این اوزان معطوف ساخته است، در حالی که اوزان هجایی در شعر نیما هیچ جایگاهی ندارند.

واژگان کلیدی: نیما، گوران، شعر نو، وزن هجایی، وزن عروضی ندارد.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱- تعریف مساله..... ۳

۲-۱- سوال های تحقیق..... ۴

۳-۱- فرضیه های تحقیق..... ۴

۴-۱- اهداف تحقیق..... ۴

۵-۱- روش انجام تحقیق..... ۵

۶-۱- پیشینه ی تحقیق..... ۵

فصل دوم: بررسی معیارهای نوگرایانه ی عبدالله گوران

۱-۲- شعر کردی..... ۷

۲-۲- وزن های هجایی..... ۷

۳-۲- وزن های هجایی در زبان کردی..... ۸

۴-۲- رایج ترین وزن در اشعار کردی..... ۹

۵-۲- وزن بیت..... ۱۰

۶-۲- وزن عروضی کردی..... ۱۱

- ۱۲.....۲-۲-شرح زندگی عبدالله گوران.....
- ۱۳.....۸-۲-گوران و رویکرد او نسبت به اشعار کلاسیک.....
- ۱۳.....۱-۸-۲-غزل.....
- ۱۴.....۲-۸-۲-مشوی.....
- ۱۴.....۳-۸-۲-ترکیب بند.....
- ۱۶.....۴-۸-۲-ترجیع بند.....
- ۱۶.....۵-۸-۲-چهار پاره.....
- ۱۷.....۹-۲-اقدامات گوران در ایجاد تحول در عرصه‌ی اشعار عروضی.....
- ۱۷.....۱-۹-۲-اشعار نیمه سنتی «دسته‌ی اول».....
- ۱۹.....۲-۹-۲-اشعار نیمه سنتی (دسته‌ی دوم).....
- ۲۲.....۱۰-۲-اشعار نو عروضی گوران.....
- ۲۶.....۱۱-۲-اشعار چند وزنی در دیوان گوران.....
- ۲۷.....۱۲-۲-رویکرد گوران نسبت به اشعار هجایی.....
- ۲۸.....۱-۱۲-۲-وزن پنجه یا ده هجایی.....
- ۲۸.....۲-۱۲-۲-وزن هفت هجایی (۳+۲) یا (۴+۲).....
- ۲۹.....۳-۱۲-۲-وزن هشت هجایی (۴+۲).....
- ۲۹.....۴-۱۲-۲-وزن یازده هجایی (۳+۲+۲).....
- ۳۰.....۵-۱۲-۲-وزن دوازده هجایی (۳+۳+۳+۳).....

- ۳۰ وزن سیزده هجایی (۵+۴+۴).....
- ۳۱ وزن پانزده هجایی.....
- ۳۱ شعر هجایی نو.....
- ۳۴ ویژگی های زبانی اشعار گوران.....
- ۳۴ تأثیر پذیری گوران از زبان های فارسی و عربی.....
- ۳۷ انواع پاورقی های دیوان گوران.....
- ۳۷ دسته اول معنای واژه های عربی و فارسی.....
- ۳۸ دسته دوم معنای واژه های مهجور.....
- ۳۸ معنای واژه های اروپایی.....
- ۳۸ لغات و ترکیبات اروپایی در اشعار گوران.....
- ۳۹ اشعاری به سبک نمایش نامه در دیوان گوران.....
- ۴۱ استفاده از نام آوا.....
- ۴۱ استفاده از اصوات.....

فصل سوم: بررسی معیارهای نوگرایانه نیما یوشیج

- ۴۳ شرح مختصری در مورد زندگی نامه نیما یوشیج.....
- ۴۴ اوزان شعر سنتی.....
- ۴۶ وزن عروضی.....

- ۴۲-۳-۲- رویکرد نیما نسبت به اشعار هجایی.....
- ۴۹-۳-۵- رویکرد نیما نسبت به اشعار سنتی.....
- ۴۹-۳-۵-۱- مثنوی.....
- ۵۰-۳-۵-۲- ترکیب بند.....
- ۵۰-۳-۵-۳- قصیده.....
- ۵۱-۳-۵-۴- قطعه.....
- ۵۱-۳-۵-۵- غزل.....
- ۵۱-۳-۵-۶- رباعی.....
- ۵۱-۳-۵-۷- چهار پاره یا دو بیتی پیوسته.....
- ۵۲-۳-۵-۸- مسمط.....
- ۵۳-۳-۶-۱- اقدامات نیما در زمینه تغییر و تحول در عرصه‌ی شعر سنتی.....
- ۵۳-۳-۶-۱- اشعار نیمه سنتی.....
- ۵۷-۳-۶-۲- اشعار نو نیما یوشیج.....
- ۵۸-۳-۶-۳- اشعار چند وزنی در دیوان نیما.....
- ۵۹-۳-۷-۱- ویژگی های زبانی اشعار نیما.....
- ۵۹-۳-۷-۱- مخالفت با ذهن گرایی و سوژکتیو بودن اشعار سنتی.....
- ۶۰-۳-۷-۲- مخالفت با کلی گویی و عدم توصیف جزئی.....
- ۶۰-۳-۷-۳- مخالفت با بیت اندیشی در شعر سنتی.....

- ۸-۳- روایت در شعر نیما..... ۶۱
- ۱-۸-۳- اشعار روایی سنتی نیما..... ۶۱
- ۲-۸-۳- اشعار روایی نیما به شیوه‌ای نو..... ۶۱
- ۹-۳- دیگر ویژگی‌های زبانی اشعار نیما..... ۶۲
- ۱-۹-۳- استفاده از کلمات آرکائیک..... ۶۲
- ۲-۹-۳- استفاده از واژه‌های طبری..... ۶۳
- ۳-۹-۳- استفاده از ترکیبات و افعالی که با قواعد دستور زبان هم‌خوانی ندارد..... ۶۳
- ۲-۹-۳- نام آوا (anomatopicia) در اشعار نیما..... ۶۴

فصل چهارم: بررسی تطبیقی نیما و گوران از نظر استفاده از صور خیال و مضامین و بسامد بحرهای عروضی

- ۱-۲- بسامد بحرهای عروضی در اشعار گوران..... ۶۶
- ۲-۲- بسامد بحرهای عروضی در اشعار نو گوران..... ۶۸
- ۳-۲- میزان تأثیرپذیری نیما از عروض سنتی..... ۶۸
- ۴-۲- بسامد بحرهای عروضی در اشعار سنتی نیما..... ۶۸
- ۵-۲- بسامد بحرهای عروضی در اشعار نو نیما..... ۷۰
- ۶-۲- بررسی صور خیال در اشعار نیما و گوران..... ۷۱
- ۷-۲- میزان استفاده از استعاره در اشعار نمونه‌ی دو شاعر..... ۷۱
- ۸-۲- نمونه‌ای از استعاره‌های نیما..... ۷۲

- ۷۳ ۴-۸-۱- استعاره مصرّحه.
- ۷۳ ۴-۸-۲- استعاره مکنیه.
- ۷۳ ۴-۸-۳- استعاره مکنیه از نوع تشخیص.
- ۷۳ ۴-۹-۱- نمونه‌ای از استعاره های گوران.
- ۷۳ ۴-۹-۱- استعاره مصرّحه.
- ۷۳ ۴-۹-۲- استعاره مکنیه.
- ۷۳ ۴-۹-۳- استعاره مکنیه از نوع تشخیص.
- ۷۳ ۴-۱۰- میزان استفاده این دو شاعر از تشبیه در اشعارشان.
- ۷۴ ۴-۱۱- نمونه‌ای از تشبیه‌های نیما.
- ۷۴ ۴-۱۱-۱- تشبیه حسی به حسی.
- ۷۴ ۴-۱۱-۲- تشبیه عقلی به حسی.
- ۷۴ ۴-۱۱-۳- تشبیه حسی به عقلی.
- ۷۴ ۳-۱۱-۴- تشبیه حسی به وهمی.
- ۷۵ ۴-۱۲- نمونه‌ای از تشبیه های گوران.
- ۷۵ ۴-۱۲-۱- تشبیه محسوس به محسوس.
- ۷۵ ۴-۱۲-۲- تشبیه معقول به محسوس.
- ۷۵ ۴-۱۲-۳- تشبیه محسوس به معقول.
- ۷۵ ۴-۱۲-۴- تشبیه معقول به معقول.

- ۳-۱۲-۵- تشبیه محسوس به موهوم..... ۷۵
- ۴-۱۳- نمادها در اشعار نیما..... ۷۶
- ۴-۱۴- نمادها در اشعار گوران..... ۷۶
- ۴-۱۵- دیگر صنعت های ادبی در اشعار گوران..... ۷۷
- ۴-۱۵-۱- مراعات النظیر..... ۷۷
- ۴-۱۵-۲- واج آرایی..... ۷۷
- ۴-۱۵-۳- کنایه..... ۷۷
- ۴-۱۵-۴- لف و نشر..... ۷۸
- ۴-۱۵-۵- تضاد..... ۷۸
- ۴-۱۵-۶- حس آمیزی..... ۷۸
- ۴-۱۵-۷- ارسال المثل..... ۷۸
- ۴-۱۶- دیگر صنعت های ادبی در اشعار نیما..... ۷۸
- ۴-۱۶-۱- تضاد..... ۷۸
- ۴-۱۶-۲- حس آمیزی..... ۷۹
- ۴-۱۶-۳- ارسال المثل..... ۷۹
- ۴-۱۶-۴- متناقض نما..... ۷۹
- ۴-۱۶-۵- واج آرایی..... ۷۹
- ۴-۱۷- مضامین شعری «گوران» و «نیما»..... ۷۹

۸۰مضامین شعر گوران. ۱۸-۴
۸۰طبیعت. ۱-۱۸-۴
۸۱اشعار عاشقانه. ۲-۱۸-۴
۸۲حماسه. ۳-۱۸-۴
۸۳هجویات. ۴-۱۸-۴
۸۳مرثیه. ۵-۱۸-۴
۸۳مضامین شعری نیما. ۱۹-۴
۸۴طبیعت. ۱-۱۹-۴
۸۴اشعار اجتماعی. ۲-۱۹-۴
۸۵بیان حالت های درونی. ۳-۱۹-۴

فصل پنجم: نیما و گوران و تاثیر آن ها از سبک بازگشت

۸۶نیما و گوران و میزان تاثیر آن ها از سبک بازگشت. ۱-۵
۸۷نتیجه گیری. ۲-۵
۹۰فهرست منابع. ۳-۵

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۲	۱-۱-۴ بسامد بحرهای عروضی در اشعار کلاسیک گوران.....
۶۸	۱-۲-۴ بسامد بحرهای عروضی در اشعار نو گوران.....
۶۹	۱-۴-۴ بسامد بحرهای عروضی در اشعار نیما.....
۷۰	۱-۵-۴ بسامد بحرهای عروضی در اشعار نو نیما.....
۷۱	۱-۷-۴ بسامد استعاره در اشعار نیما و گوران.....
۷۳	۱-۱۰-۴ بسامد تشبیه در شعر نیما و گوران.....

جریان نوگرایی و تجدّد طلبی در ادبیات ایران به عصر مشروطه باز می‌گردد. در آن دوره همراه با ورود انواع اختراع‌های جدید از قبیل تلگراف، صنعت چاپ و راه آهن و دهها پدیده‌ی نوین دیگر، تحولات اجتماعی و سیاسی و ریشه‌ای در حال شکل‌گیری بود. انقلاب مشروطه هم‌چون مشعلی ذهن همگان، از جمله نویسندگان و شاعران را روشن ساخته بود. آن‌ها به این نتیجه رسیده بودند که دیگر توصیف لب و گیسو و چشم و ابرو همراه با تکلف‌های لفظی شاعرانه، با جامعه‌ی آن روز و اوضاع و احوال جاری در آن، هم خوانی ندارد. «این‌ها فهمیده بودند که ردّالعجز علی‌الصّدر و تّبّع فرخی و عسجدی و عنصری، دیگر هیچ کشتی برای مردم ندارد» (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۶) بر اساس همین تفکر، تغییر و تحوّل در عرصه‌ی شعر از تمام جنبه‌ها در حال شکل‌گیری بود.

در عصر مشروطه با سه گروه از شاعران مواجه هستیم:

۱- دسته‌ای که به شیوه‌ی سنتی شعر می‌سرودند و کاملاً خود را از مسایل سیاسی و اجتماعی که در آن روزگار جریان داشت، کنار کشیده بودند؛ مانند ادیب نیشابوری، شوریده شیرازی.

۲- گروهی که به حفظ قالب‌ها و اسلوب قواعد شعر کهن اعتقاد داشتند اما در عین حال از اوضاع اجتماعی روزگار خود بی‌خبر نبودند و سعی کردند مضامین نو را در اشعارشان مطرح سازند؛ مانند ملک الشعرا بهار، فرخی، یزدی و رشید یاسمی.

۳- گروه سوم که معتقد بودند که باید مضامین نو را در قالب‌های نو بیازمایند، از این رو همراه با تغییر مضامین شعری در تغییر قالب و فرم اشعار نیز کوشیدند مانند «ابوالقاسم لاهوتی»، «تقی رفعت»، «جعفر خامنه» و «بانو شمس کسمایی».

تغییراتی که در این دوره توسط شاعران مورد توجه قرار گرفت از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و از این نظر «فرمانروایی با مضامین است و این مضامین حاصل برخورد واقعی تر با رخداد‌های معاصر است؛ شعر مشروط به حقیقت بستر روح طوفانی زمانه و کانون تعامل و برخورد اندیشه‌های پر تپش اجتماعی و سیاسی است.» (آژند، ۱۳۸۴: ۷۷) در این عصر، واقعیت زندگی مردم رنج کشیده و محروم در اشعار شاعران تجلّی می‌یابد. یکی از موضوعات اصلی شعر در این دوره را وطن تشکیل می‌دهد. شاعرانی چون «میرزاده عشقی»، «ملک الشعرا بهار»، «فرخی یزدی» و «ایرج میرزا» با پرداختن به مسایلی که کشور در آن زمان با آن‌ها مواجه بود، سعی کردند مبارزه علیه تجاوز بیگانگان و استبداد حاکم را در اشعارشان مطرح سازند و اذهان عمومی را در مورد این مسایل روشن کنند و آن‌ها را برای به دست آوردن استقلال و آزادی برانگیزند. از مضامین دیگری که در این عصر مورد توجه قرار گرفت آزادی، مبارزه با جهل و خرافات، دادن آزادی بیشتر و دادن حق اجتماعی به زنان را می‌توان ذکر کرد.

بیشتر قالب‌های شعری در عصر مشروطه مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما در این میان قالب‌هایی پرکاربردتر بود که با مضامین اجتماعی و سیاسی هم‌خوانی بیشتری داشته باشد. به طور مثال قالب قصیده

که از دیرباز برای مدح و ستایش به کار می رفت، کم تر مورد توجه شاعران این عصر واقع شد. «غزل که یک زمانی پلی بود میان عاشق و معشوق از برای تجسم ذهنی عواطف و احساسات عاشقانه و گاه عارفانه» (همان : ۱۱۰) در دوره‌ی مشروطه با مضامین اجتماعی ظاهر شد شاعرانی مانند «عارف قزوینی»، «فرخی یزدی»، «بهار» و «لاهوتی» غزل هایی با مضامین اجتماعی سرودند که تا آن زمان در شعر فارسی بی سابقه بود. حتی قالب مستزاد نیز برای بیان مسایل اجتماعی به کار گرفته شد، به عنوان مثال «سید اشرف الدین گیلانی» اشعاری اجتماعی در این قالب سروده است. تصنیف نیز از قالب های ادبی رایج در این عصر به شمار می آمد و «عارف قزوینی» و «ملک الشعرا بهار» و «ابوالقاسم لاهوتی» در این قالب، اشعاری سروده اند که مضمون آن ها را غالباً مسایل ملی و وطنی تشکیل می دهد.

آغاز تمام تغییراتی که ذکر کردیم در واقع زمینه ساز نوگرایی در شعر فارسی بود و خود به تنهایی تغییر و تحول جدی به شمار نمی آمد. با وجود این که برخی از محققان «ابوالقاسم لاهوتی» را بنیانگذار واقعی شعر نو در ایران می دانند و برخی دیگر نیز «تقی رفعت» را، اما در واقع می توان گفت شاعرانی مانند «شمس کسمایی»، «تقی رفعت»، «ابوالقاسم لاهوتی» و «جعفر خامنه»، تنها بارقه هایی از شعر نو را در ایران پدید آوردند و تلاش همه‌ی این شاعران در اشعار نیما یوشیج به ثمر نشست. نیما یوشیج به دلیل مهارتی که در شعر سنتی داشت، آگاهانه دست به تغییر و تحول در اسلوب و قواعد مربوط به آن زد و با سرودن اشعار زیادی که شعر نو نامیده می شوند خود را به حق به عنوان «پدر شعر نو فارسی» به همگان معرفی کرد.

جریان تغییر و تحول در عرصه‌ی شعر کردی به اندازه‌ی شعر فارسی پریچ و خم و کهن نیست. بعد از جنگ جهانی اول، کردستان به چهار بخش تقسیم شد و انگلیسی ها عراق را به اشغال خود درآوردند، حضور بیگانگان در خاک وطن و تقسیم سرزمین، مسأله‌ای نبود که کردها و در کل مردم عراق را تحت تأثیر قرار ندهد. در این مورد نیز شاعران و نویسندگان به عنوان قشر بیدارگر جامعه کوشیدند عمق فاجعه را در قالب شعر به گوش مردم برسانند و آنان را به سوی آزادی و استقلال سوق دهند؛ اما تنها شاعری که در ضمن تغییر مضامین شعری به تغییر و تحول در قالب شعر نیز پرداخت « شیخ صالح، شیخ نوری» بود. آن گونه که از مقدمه‌ی مجموعه شعر «بهشت و یادگار» نوشته‌ی «عبدالله گوران» برمی آید، او به تقلید از شاعران ترکیه به تغییر و تحول در عرصه‌ی شعر کلاسیک پرداخت، اما گویا بعدها و در اواخر عمر خود باز هم به سراغ قالب های کلاسیک رفته و از سرودن اشعار نو دست برداشته است. به این ترتیب شاعری که اولین بارقه های شعر نو را در ادبیات کردی به وجود آورد نمی تواند به عنوان بنیان گذار شعر نو شناخته شود و نوآوری های او را تنها مبنای کاری که بعدها گوران انجام داد می توان قلمداد کرد. عبدالله گوران با وجود راه ناهموار و سختی که در پیش داشت، توانست تغییر و تحوّل عظیم در عرصه‌ی شعر کلاسیک کردی پدید آورد و به این ترتیب به حق عنوان پدر شعر نو کردی را از آن خود ساخت.

فصل اول

کلیات

۱-۱- تعریف مسئله

زبان های کردی و فارسی هر دو شاخه هایی از زبانهای هند و اروپایی هستند و بدیهی است که این همسانی در ریشه، دلیل وجود ترکیبات کهن مشترک در این دو زبان و ادبیات آنهاست. علاوه بر نژاد مشترک، همجواری این دو ملت باعث به وجود آمدن آداب و رسوم مشابه و حتی مشترک در میان آن ها شده است. که به طور قطع جلوه های این تشابه و اشتراک در ادبیات دو ملت پدیدار گشته است. از سوی دیگر فرهنگ اسلامی بر ادبیات کردی و فارسی سایه افکنده است. از این رو می توان مبانی همسان، چه از حیث زبانی (ورود لغات عربی) و چه از حیث فکری (ورود باورهای دینی) را در میان این دو ادب یافت. با توجه به این پیوند ها، شعر نو که در فاصله ی زمانی کوتاهی در ادبیات کردی و فارسی ظهور کرده است، یکی از موضوعاتی است که می تواند مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پدر شعر نو کردی، یعنی عبدالله گوران، مانند سایر شاعران کرد زبان به شعر فارسی زبان توجه داشته است. وفور لغات فارسی در اشعار وی و همچنین ترجمه ی اشعار شاعرانی مانند حافظ، خیام و هاتف توسط او این ادعا را ثابت می کند. علاوه بر این گوران از شاعر آزادی خواه عصر مشروطه «عشقی» در دیوانش سخن رانده است و یکی از اشعار او را با اندکی تغییر به کردی برگردانده است که این مطلب می تواند بیانگر این موضوع باشد که گوران از جریان تغییر و تحول و نوگرایی در شعر فارسی مطلع بوده است. با توجه به تمام این مطالب، مسئله ی اصلی مورد نظر در این

تحقیق، وجوه اشتراک و افتراق شعر نو کردی و فارسی با توجه به اشعار بنیان گذاران آن عبدالله گوران و نیما یوشیج می باشد.